یادداشت

نامه ترامپ به رهبری
آیا پنجره‌ای به سوی صلح است؟

ادامه از صفحه اول

فهم این قلم از تحولات نظم جهانی در قرن بیست‌ویکم این است که با پشت سر گذاشتن دو جنگ جهانی در قرن بیستم، استقرار نظام لیبرال در جهان و پیشرفت‌های سریع فناوری به ویژه در حوزه ارتباطات و اطلاعات، هوش مصنوعی، ژنتیک، کوانتوم و فضا، جهان شاهد نظم جدیدی خواهد بود که من نام آن را نظم نومرکاناتالیستی می‌گذارم. در این نظم که حتما ظالمانه است و قساوت آن احتمالا از نظم لیبرال پیشین تا رسیدن به نقطه تعادل جدید سخت‌تر است، متغیرهای جغرافیای اقتصادی بر جغرافیای سیاسی برتری خواهند یافت. قدرت سخت نظامی پشتوانه منافع و سیاست‌های توسعه‌طلبانه اقتصادی قرار خواهد گرفت. اهداف اقتصادی عامل‌های تعیین‌کننده‌تری نسبت به اهداف سیاسی در فرایند سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری جهانی خواهند بود. ارزش‌های لیبرال کم‌رنگ شده و قدرت عریان اقتصادی با پشتوانه قدرت سخت نظامی، هرم طبقاتی قدرت را در جهان شکل خواهد داد.

در این نظم، ۱- اتحادهای پیشین فروخواهند ریخت، همچنان‌که می‌بینیم اتحاد آمریکا و اروپا در دو سوی آتلانتیک در حال سست‌شدن است و جای خود را به همکاری‌ها یا تهدیدها و رقابت‌های دوبه‌دو می‌دهد. ۲- همکاری‌های کوتاه‌مدت با هدف تأمین امنیت و کنترل زنجیره ارزش‌های اقتصادی شکل خواهند گرفت. این تغییر در نهاد برنامه صلح ترامپ/ پوتین به‌خوبی قابل مشاهده است و به گمان این قلم، خمیرمایه پیشنهاد ترامپ به ایران را نیز شکل می‌دهد. ۳- فضا برای ظهور قدرت‌های نوظهور فراهم خواهد شد. همچنان‌که می‌بینیم قدرت چین به رسمیت شناخته می‌شود و فضا برای کنشگری هند و برزیل نیز در حال فراهم‌شدن است. ۴- زبان گفت‌وگو در این جهان فراقطبی یا چندقطبی تنها زبان سیاست و امنیت نیست، بلکه زبان رقابت اقتصادی مقدم بر زبان قدرت نظامی است. هرچند قدرت نظامی همچنان پشتوانه رسمی و بلافاصله قدرت اقتصادی خواهد ماند. بنابراین، اهمیت آن را نباید فراموش کرد. اما، نحوه کاربست آن کاملا تغییر خواهد کرد. و ۵- بازیگران اقتصادی بزرگ فضای بازیگری بیشتر و مؤثرتری نسبت به نهادهای اداری ملی و نهادهای رسمی بین‌المللی خواهند یافت. همچنان‌که می‌بینیم، ترامپ از برخی نهاهای بسیار مهم بین‌المللی رسما خارج می‌شود و در تصمیم‌گیری‌ها کمترین وقعی به سیستم اداری آمریکا می‌گذارد و روابط خود را بر فراز آنها برقرار می‌کند. هرچند، نهایتا در اجرای اهداف خود به آنها وابسته است، اما تا آنجا که می‌تواند دولت پنهان (Deep State) را پشتِ سر می‌گذارد.

حال با ذکر این مقدمه نسبتا طولانی نسبت به ماهیت دینامیزم و پویایی در نظم جدید جهانی و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی ترامپ که دوست دارد از خود چهره‌ای متفاوت از رهبران پیشین آمریکا، دارای بی‌باکی لازم برای تغییر و طرفدار صلح ترسیم کند، می‌خواهیم ببینیم آیا می‌توانیم پنجره‌ای به سوی صلح بیابیم؟ نظم جدید با تمام ویژگی ظالمانه و طبقاتی‌بودن آن فرصت‌هایی را فراهم می‌آورد که از منظر منافع ملی نباید آنها را از دست داد و این فرصت‌هاست که مورد توجه این نوشته است.

نگاهی به تجربه گفت‌وگوی او با پوتین درباره اوکراین و موفقیت نسبی آن تا این لحظه هرچند هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است، به ما آموزد که ۱- نباید پیشنهاد او را در همان گام نخست رد کرد. باید او را آزمود و سپس تصمیم گرفت. شاید پنجره‌ای گشوده شد. البته این آموزه قرآنی نیز هست.* ۲- او تمایل به گفت‌وگوی مستقیم و بدون واسطه و در سطح خودش با رهبران جهان دارد. این هم فرصت است و هم مشکلاتی را به همراه دارد. فرصت است، چون اغلب واسطه‌های گفت‌وگو منافع خود را در برقراری ارتباط ملحوظ می‌دارند. مشکل است، چون چابکی لازم برای برقراری این نوع ارتباطات معمولا بسیار اندک است.

حال با توجه به مطالب پیش‌گفته و ادراک اولیه رهبری از صادق‌نبودن آمریکاییان در بیان‌هایشان، به‌نظر می‌رسد که با توجه به دینامیزم تحولات جدید جهانی، پیشنهاد مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا و تجربه ترامپ/پوتین زمان آزمون اراده جدید آمریکا فراهم رسیده است و ایران نباید این فرصت را از دست بدهد حتی اگر به نتیجه نرسد. با این توجه دو حالت، بدون داشتن هرگونه اطلاعات درون‌حاکمیتی و تنها بر اساس اطلاعات آشکار در ذهن نگارنده این سطور در چند مدت اخیر تحکیم یافته که در زیر عنوان می‌کنم و در پایان یک پیشنهاد عملیاتی نیز ارائه خواهم کرد.

حالت نخست- ترامپ تمایل به گفت‌وگوی مستقیم و بدون هرگونه واسطه با ایران دارد. در نگاه اول به‌نظر می‌رسد او تمایلی به شریک‌سازی پوتین در این ارتباط ندارد. او نمی‌خواهد پوتین از کارت ایران به قول خودش در ارتباط با او در حل‌وفصل مسئله اوکراین بهره‌برداری کند. این موضوعی است که ایران باید درباره آن بیندیشد و تصمیم بگیرد.

حالت دوم- با توجه به دیوار بی‌اعتمادی ایران به آمریکا، ممکن است ایران تمایل به مداخله شخص ثالث در گفت‌وگوها ۱- به‌عنوان تسهیل‌کننده و ۲- به‌عنوان تضمین‌کننده مذاکرات صلح داشته باشد. در این صورت، ایفای نقش مشترک زوج ترامپ/ پوتین اهمیت پیدا می‌کند. به‌نظر نمی‌رسد که چنانچه ایران بر این ترکیب اصرار داشته باشد، در نهایت ترامپ با این گزینه مخالف باشد.

و اما پیشنهادی که در آخر می‌توانم ارائه کنم این است که مذاکرات را می‌توان با موضوع فعال‌سازی قرارداد خرید ۸۰ فروند هواپیمای مسافری از بوئینگ آغاز کرد. البته تنها به عنوان آغاز مذاکره وگرنه باید یک برنامه همکاری اقتصادی و سرمایه‌گذاری مفصل‌تر در تمام حوزه‌های اقتصادی در دستور کار باشد. خوبی این پیشنهاد این است که ما از یک یادداشت‌تفاهم صحبت نمی‌کنیم، بلکه از یک قرارداد امضاشده سخن می‌گوییم. تا آنجا که من اطلاع دارم و تا زمانی که من تصدی وزارتخانه راه‌وشهرسازی را داشتم، این قرارداد همچنان به قوت خود باقی بوده و فقط منجمد شده است. باید یخ آن را باز کرد. پس از آن نمی‌دانم که چه کرده‌اند. حتی اگر این هم نباشد، چون قرارداد وجود دارد، می‌توان مجدد آن را زنده کرد. در فرایند بازآفرینی این قرارداد که با شخصیت و منطق ترامپ نیز سازگاری زیادی دارد، می‌توان شرایط ضمن عقد برای انتظار طرفین از یکدیگر و لغو تحریم‌ها و تأمین مالی خرید هواپیماها از سوی آمریکاییان را در دستور کار قرار داد، همچنان‌که در متن قرارداد بوده است. در زیر به جدول خرید هواپیماها توجه کنید. به‌نظر من این جدول ظرفیت آغاز مذاکره را دارد. من در این یادداشت، تنها خواستم با نگاه مثبت و ملی، برای گفت‌وگوهای شرافتمندانه و عزتمندانه و از موضع منافع ملی ایران در ارتباط با آمریکا آغازی را ترسیم کنم. الباقی بستگی به تصمیم مقامات دارد.

جدول زمان بندی تحویل هواپیماهای بوئینگ

هواپیما / سال تحویل	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴	۲۰۲۵	۲۰۲۶	جمع هر مدل
B737-MAX (حداقل ۱۵۰ صندلی)				۸	۸	۱۰	۱۰	۱۰	۴	۵۰
B777-300 (حداقل ۳۵۰ صندلی)	۶	۶	۲							۱۵
B777-9 (حداقل ۳۵۰ صندلی)				۱	۴	۵	۵			۱۵
جمع هر سال	۶	۶	۲	۹	۱۲	۱۵	۱۵	۱۰	۴	۸۰

* [۱] وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۶۱﴾ وَ إِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿۶۲﴾

و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست. (۶۱) و اگر دشمنان به فکر فریب‌دادن تو باشند، البته خدا تو را کفایت خواهد کرد، اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤیّد و منصور گردانید. (۶۲) سوره انفال.

افزایش قربانیان در درگیری میان ارتش و «وفاداران به بشار اسد»

روزهای خونین سوریه

خشونت‌ها و درگیری‌ها در استان‌های لاذقیه و طرطوس که در غرب سوریه و مناطق ساحلی این کشور قرار دارند، تاکنون بیش از ۵۰۰ کشته بر جای گذاشته است. بیشتر قربانیان از غیرنظامیان و از اقلیت علوی‌مذهب بوده‌اند. بر اساس اعلام دیدبان حقوق بشر سوریه، گروهی مستقر در بریتانیا که تحولات این کشور را رصد می‌کند، نیروهای دولت جدید سوریه طی سه روز گذشته دست‌کم ۳۴۰ غیرنظامی را در مناطق مختلف این استان‌ها به‌صورت خیابانی اعدام کرده‌اند. همچنین در نتیجه درگیری‌های گسترده میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح طرفدار بشار اسد، رئیس‌جمهور سابق سوریه، در لاذقیه و طرطوس تاکنون حداقل ۲۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. این رویدادها به‌عنوان یکی از خشونت‌بارترین وقایع پس از فروپاشی حکومت خاندان اسد در دسامبر ۲۰۲۴ گذشته شناخته شده‌اند.

رامی عبدالرحمن، مدیر دیدبان حقوق بشر سوریه، اعلام کرد باقی‌مانده‌های حکومت بشار اسد، شامل افسران و نیروهای نظامی سابق، در هفته‌های اخیر تحت تعقیب نیروهای دولت جدید قرار گرفته بودند. این وضعیت تنش‌ها را به نقطه اوجی رسانده است. خشونت‌های اخیر از هفته گذشته آغاز شد؛ زمانی که افراد مسلح طرفدار اسد دو نفر از نیروهای وزارت دفاع جدید سوریه را در محله الدعتور شهر لاذقیه به قتل رساندند. لاذقیه از خاستگاه‌های اصلی خاندان اسد به شمار می‌رود و بیشتر جمعیت آن علوی هستند. در پی این حادثه، نیروهای امنیتی دولت جدید سوریه عملیاتی گسترده را برای پاک‌سازی منطقه از هواداران باقی‌مانده اسد آغاز کردند. اما اوضاع پیچیده‌تر شد؛ چراکه مناطق مختلف لاذقیه، طرطوس و حتی جاده‌های پیرامونی حمص و حلب هدف حملات هماهنگ گروه‌های مسلح حامی بشار اسد قرار گرفتند. این حملات منجر به آغاز درگیری‌های شدیدتری در این مناطق شد.

دولت انتقالی سوریه به ریاست احمد الشرع ناچار شد نیروهای نظامی بیشتری مجهز به تسلیحات سنگین و حمایت هوایی را برای مهار اوضاع به مناطق ساحلی اعزام کند. بمباران‌های سنگین با استفاده از هلیکوپتر و سایر تجهیزات نظامی شدت تنش‌ها را بیشتر کرد. این شورش‌ها که توسط سهیل الحسن، یکی از افسران ارشد سابق ارتش سوریه و از یاران نزدیک بشار اسد رهبری می‌شود، توانست کنترل برخی مناطق لاذقیه و طرطوس را از دست دولت جدید خارج کند. آمار تلفات تا صبح روز گذشته به بیش از ۲۰۰ نفر، متشکل از نیروهای دولتی و شورشیان طرفدار اسد رسید.

گروه‌های مسلح جدید

یک ماه پیش «مقداد فتیحه»، یکی از افسران سابق ارتش نظام اسد، با انتشار ویدئویی اعلام کرد که گروهی با نام لشکر سپر ساحل برای پاک‌سازی مناطق ساحلی از نیروهای دولت جدید تشکیل شده است. این گروه که عمدتا از بقایای تیپ ۲۵ و نیروهای ویژه وابسته به حکومت سابق تشکیل شده است، اکنون نقش مهمی در افزایش تنش‌ها دارد. از عصر جمعه گزارش‌های متعددی منتشر شد که نشان می‌داد نیروهای دولتی غیرنظامیان علوی‌مذهب را هدف اعدام‌های سازمان‌یافته قرار می‌دهند. دیدبان حقوق بشر سوریه تأکید کرده که تاکنون شش مورد کشتار بزرگ در مناطق مختلف استان‌های ساحلی رخ داده که طی آن دست‌کم ۳۴۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. بیشترین تعداد قربانیان در شهر بانیاس در حومه استان طرطوس گزارش شده است؛ جایی که در آن دست‌کم ۶۰ غیرنظامی، شامل ۱۰ زن و پنج کودک اعدام شدند.

رامی عبدالرحمن اعدام‌ها را نوعی «مجازات گروهی» توصیف کرده و از دولت جدید خواسته است تا مسئولیت این حوادث را بپذیرد و اقدامات لازم را انجام دهد. با این حال، مقامات وزارت دفاع سوریه اعلام کرده‌اند کمیته‌ای برای شناسایی، پیگرد و مجازات ناقضان قانون تشکیل داده‌اند. دولت فعلی سوریه با مشکلات گسترده امنیتی مواجه است، به‌ویژه در جنوب غربی این کشور که اسرائیل اعلام کرده است اجازه استقرار نیروهای سوری را در این منطقه نمی‌دهد.

فعالان علوی می‌گویند از زمان سقوط اسد، مناطق علویان، به‌ویژه در حومه حمص و لاذقیه، تحت خشونت و حملات قرار گرفته‌اند. رئیس فعلی دولت سوریه نیز در ماه‌های گذشته دیدارهایی با اقلیت‌های کرد، مسیحیان و دروزی‌ها داشت، اما تاکنون گزارشی از دیدار او با شخصیت‌های علوی سوریه منتشر نشده است. دولت سوریه در پی این درگیری‌ها، مقررات منع آمدوشد را در استان‌های ساحلی طرطوس و لاذقیه اعلام کرد.

رویترز نوشته است گروهی از روحانیون علوی، شورای اسلامی علوی، دولت را مسئول این خشونت‌ها دانسته و اعلام کردند جنگجویان با «بهانه مبارزه با بقایای حکومت سابق» به سواحل فرستاده شده‌اند تا مردم سوریه را وحشت‌زده کرده و به قتل برسانند. این شورا خواستار قرارگرفتن این منطقه تحت حفاظت سازمان ملل شد.

وال‌استریت ژورنال نیز گزارش داده است هم‌زمان با این درگیری‌ها، بسیاری از هواداران دولت سوریه در شهرهای حماه و حمص به خیابان‌ها آمدند تا حمایت خود را از عملیات نیروهای امنیتی اعلام کنند.

علویان اقلیتی مذهبی در سوریه محسوب می‌شوند و ۱۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، خانواده اسد که بیش از نیم‌قرن حاکم سوریه بودند نیز به اقلیت علوی سوریه تعلق داشتند و ترجیح می‌دادند که علویان را در مناصب نظامی و امنیتی حکومت خود جای دهند. بعد از سرنگون‌شدن دولت اسد توسط گروه‌های شورشی، خشونت‌های فرقه‌ای در مناطق علویان سوریه جریان داشته است. عربستان سعودی به‌عنوان حامی قدرتمند دولت احمد الشرع، این درگیری‌ها را «جنایات گروه‌های قانون‌شکن» خوانده و آن را محکوم کرده است. سخنگوی وزارت خارجه ترکیه نیز درگیری اخیر در سوریه را تضعیف‌کننده روند صلح در این کشور خوانده است. دولت ترکیه به رهبری اردوغان نیز از دولت فعلی سوریه حمایت می‌کند.

آبراهه‌های کلیدی جهان تحت کنترل چین

چین می‌خواهد کنترل آبراهه‌های کلیدی را به دست بگیرد تا تجارت جهانی را کنترل و برای به چالش کشیدن آمریکا به استیلای نظامی دست پیدا کند. پاناما از نظر فنی مالک کانال پاناماست، اما چین در دو سمت این کانال بنادر خود را مدیریت می‌کند. این امر به پکن اجازه می‌دهد کنترل خود را با استفاده از زیرساخت‌های دوگانه به سطح نظامی برساند و عملا در موقعیتی قرار بگیرد که دسترسی به این آبراهه حیاتی را به‌ویژه برای آمریکا ممنوع کند. چین در حال حاضر دومین مشتری بزرگ این کانال است و فقط آمریکا را در مقابل خود می‌بیند. برخی بر این باورند که نفوذ پکن تا اینجا باعث افزایش نامتناسب هزینه‌های ترانزیت آمریکا شده و این مسئله سیاست بی‌طرفی پاناما را -براساس معاهده ۱۹۷۸ با آمریکا- نقض می‌کند. دولت ترامپ معتقد است این معاهده فسخ شده است. همچنین گفته می‌شود نفوذ پکن در کانال پاناما به‌طور مستقیم منافع اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیک آمریکا را در سطح منطقه و جهان تهدید می‌کند. ارزیابی دولت صحیح است. اگر به تصویر بزرگ‌تر بنگریم، حزب کمونیست چین حضور و نفوذ خود را به کمک ابتکار کمربند و جاده در آمریکای لاتین گسترش داده است. درست همان‌طور که در بسیاری از نقاط راهبردی جهان دست به این کار زده است. ابتکار کمربند و جاده که به نام «یک کمربند، یک جاده» هم شناخته می‌شود، طرحی جهانی در حوزه زیرساخت و سرمایه‌گذاری است که با توسعه زیرساخت‌های لازم مانند جاده، راه‌آهن، بندر و خطوط لوله انرژی، پای سرمایه، نفوذ و نیروی کار چینی را به کشورهای سراسر جهان باز می‌کند. مشارکت در ابتکار کمربند و جاده معمولا باعث تضعیف دولت‌های خارجی شده و آنها را عمیقا بدهکار چین می‌کند که در نهایت موجب تضعیف حاکمیت یا کنترل این کشورها در بنادر ساخت چین و دیگر زیرساخت‌ها می‌شود. واگذاری کنترل اقتصادی کانال از پاناما به پکن، نمونه‌ای بارز از راهبرد فراگیر حزب کمونیست چین است. «راهبرد پانامای» چین، رویکردی سیستماتیک برای در اختیار گرفتن آبراهه‌های راهبردی، خطوط کشتیرانی و بنادر جهان است. مؤلفه‌های اصلی این راهبرد شامل حضور در عرصه دریایی جهانی، گسترش نفوذ از طریق قراردادهای ابتکار کمربند و جاده و توسعه سایت‌های نظامی و جزایر مصنوعی در نقاط کلیدی سراسر جهان هستند. هدف، اشاعه قدرت رژیم چین برای براندازی نظام تجارت جهانی تحت رهبری آمریکا و سیاست خطوط آزاد کشتیرانی این کشور است. کانال پاناما اولین کانال نیست، اما یکی از بی‌شمار آبراهه‌های راهبردی جهان است که چین آنها را به واسطه سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و با حضور نظامی از طریق ابتکار کمربند و جاده تحت کنترل خود درآورده است.

بازی بزرگ پکن

از دید پکن، دریای جنوبی چین از بیشترین اهمیت برخوردار است. با توجه به اینکه سالانه حدود سه تریلیون دلار کالا (یک‌سوم از حمل‌ونقل جهانی) از طریق این دریا جابه‌جا می‌شود، چین در این منطقه اقدام به ساخت جزایر مصنوعی و تأسیسات نظامی کرده تا استیلای خود را به رخ بکشد. البته این اقدام ضمانت‌های امنیتی آمریکا برای کشورهای منطقه -از تایوان گرفته تا کره جنوبی و ژاپن- را به‌طور مستقیم به چالش می‌کشد. این امر موجب افزایش تنش با کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی به‌ویژه با آمریکا و تایوان شده است. تنگه ملاکا یکی دیگر از گذرگاه‌های باریک تجارت جهانی است که چینی‌ها به واسطه ابتکار کمربند و جاده نقش تجاری پررنگی در آن دارند. با توجه به اینکه ۶۰ درصد از واردات کلی و ۸۰ درصد از واردات نفت خاورمیانه از طریق این تنگه انجام می‌شود، ملاکا پکن را در معرض آسیب‌های راهبردی قرار می‌دهد. حزب کمونیست چین نفوذ قابل توجهی در منطقه اقتصادی کانال سوئز دارد. مصر یکی از شرکای ابتکار کمربند و جاده به شمار می‌آید. چین به کمک این گذرگاه حیاتی که دریای مدیترانه را به بخش فوقانی دریای سرخ متصل می‌کند، تجارت اروپا، آسیا و آفریقا را تحت نظارت خود دارد. چین به واسطه ابتکار کمربند و جاده در چندین آبراهه کلیدی نقش‌آفرینی می‌کند و در بعضی از آنها -ازجمله در تنگه هرمز- تأسیسات نظامی دارد. این تنگه نفتی بزرگ، خلیج فارس را به دریای عمان و دیگر نقاط جهان متصل می‌کند. چین در این تنگه با ایران که کنترل تنگه هرمز را بر عهده دارد، شراکت راهبردی دارد. پکن همچنین در جیبوتی حضور نظامی راهبردی دارد و اولین پایگاه نظامی خارجی خود را در آن تأسیس کرده تا قدرت نظانی خود را در دریای سرخ و خلیج عدن به رخ بکشد. راهبرد نیروی دریایی چین از زمان به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ، رهبر چین، در سال ۲۰۱۳ در دستور کار قرار داشته است. تسلط بر آبراهه‌های کلیدی از بلندپروازی فراگیر شی برای اعمال نفوذ و نقش‌آفرینی در ترانزیت کالا، انرژی و قدرت نظامی در نقاط حیاتی جهان حکایت دارد. این طرح با تکیه به چهار حوزه راهبردی در پی تضمین جایگاه چین به‌عنوان یک قدرت برتر جهانی است: سلطه اقتصادی، حضور نظامی راهبردی و بی‌رقیب و نفوذ ژئوپلیتیک بی‌حساب‌وکتاب در بخش تجارت جهانی و امنیت انرژی. اساسا موفقیت حزب کمونیست چین در گرو شکست آمریکاست. «رؤیای چین» برای رسیدن به جایگاه یک قدرت برتر جهانی به توانایی این کشور در کنارزدن آمریکا به‌عنوان قدرت برتر جهانی در حوزه‌های فوق بستگی دارد. اینها بلندپروازی‌های واقعی شی و حزب کمونیست چین هستند. بدیهی است که دولت ترامپ نه‌تنها به این بلندپروازی‌های بزرگ واقف است، بلکه برای به چالش کشیدن آنها نیز آمادگی دارد و از کانال پاناما آغاز کرده است.

منبع: Epoch Times

گزارش

محدودیت‌های آمریکا علیه حامیان حماس

وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد این کشور حق لغو یا رد ویزای هر فردی را که از سازمان‌های خارجی که در لیست سیاه آمریکا قرار دارند، حمایت کند، ازجمله دانشجویان بین‌المللی برای خود محفوظ می‌داند. این اعلامیه پس از وعده قبلی دونالد ترامپ برای مقابله با اعتراضات غیرقانونی در دانشگاه‌ها منتشر شده است.

یک سخنگوی وزارت خارجه در بیانیه‌ای که برای شبکه خبری ان‌تی‌دی ارسال شد، تأکید کرد افرادی که از «سازمان‌های تروریستی خارجی» حمایت می‌کنند، امنیت ملی را تهدید می‌کنند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: «ایالات متحده هیچ‌گونه تحملی برای بازدیدکنندگان خارجی که از این گروه‌ها حمایت می‌کنند، ندارد. ناقضان قوانین آمریکا، ازجمله دانشجویان بین‌المللی، ممکن است با رد یا لغو ویزا مواجه شوند». مارک روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا نیز موضع این وزارتخانه را در پستی در شبکه اجتماعی ایکس تکرار کرد. او نوشت: «کسانی که از سازمان‌های تعیین‌شده، ازجمله حماس، حمایت می‌کنند، امنیت ملی ما را تهدید می‌کنند».

این اقدام بخشی از سرکوب گسترده‌تر یهودستیزی در دانشگاه‌های آمریکا پس از حمله حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ است. دولت فدرال اخیرا بودجه دانشگاه کلمبیا را لغو کرده و این مؤسسه را به «عدم اقدام در مقابله با آزار و اذیت دانشجویان یهودی» متهم کرده است.

ترامپ در پستی در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال اعلام کرد تمام بودجه فدرال برای هر کالج، مدرسه یا دانشگاهی که اجازه اعتراضات غیرقانونی را بدهد، قطع خواهد شد. ترامپ افزود: «محرکان دستگیر یا برای همیشه به کشور مبدأ خود بازگردانده خواهند شد. دانشجویان آمریکایی نیز به‌طور دائمی اخراج شده و بر حسب جرم مرتکب‌شده، ممکن است بازداشت شوند». در همین حال، وزارت آموزش ایالات متحده به همراه سایر نهادهای فدرال اعلام کرد که ۴۰۰ میلیون دلار از کمک‌ها و قراردادهای فدرالی دانشگاه کلمبیا لغو می‌شود. این تصمیم به دلیل عدم اقدام این دانشگاه در مقابله با آزار و اذیت مداوم دانشجویان یهودی اتخاذ شده است.

لیندا مک‌ماهون، وزیر آموزش ایالات متحده، در بیانیه‌ای اظهار کرد: «دانشگاه‌ها برای دریافت بودجه فدرال باید از تمامی قوانین ضدتبعیض فدرال پیروی کنند. دانشگاه کلمبیا مدت‌هاست این تعهد خود را نسبت به دانشجویان یهودی نادیده گرفته است». او تأکید کرد: «امروز به کلمبیا و سایر دانشگاه‌ها نشان می‌دهیم که دیگر بی‌تفاوتی وحشتناک آنها را تحمل نخواهیم کرد». لغو بودجه بخشی از یک تلاش گسترده‌تر توسط کارگروه مشترک مبارزه با یهودستیزی است که شامل وزارتخانه‌های دادگستری، بهداشت و خدمات انسانی، آموزش و اداره خدمات عمومی می‌شود. این کارگروه در حال بررسی میزان پایبندی دانشگاه کلمبیا به مقررات فدرال، به‌ویژه بخش ششم قانون حقوق مدنی است؛ قانونی که هرگونه تبعیض براساس نژاد، رنگ یا ملیت را در برنامه‌ها یا فعالیت‌هایی که از بودجه فدرال بهره می‌برند، ممنوع می‌کند.

آقای **حامد فراهت** به شماره ملی ۱۲۸۹۷۰۳۰۵۱ فرزند حسام دارای شناسنامه ۱۸۶۷ صادره از اصفهان متولد ۱۳۶۲/۰۶/۲۲ اظهار می دارد دانشنامه مقطع کارشناسی رشته مهندسی برق ایشان مفقود گردیده است. لذا به موجب این آگهی دانشنامه مذکور ابطال می شود. از یابنده خواهشمند است مدرک فوق را به اداره امور فارغ التحصیلان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تسلیم نماید.

سند کمپانی وانت مزدا سفید روغنی مدل ۱۳۷۳ به شماره پلاک ۸۸ق۳۲۶ ایران ۴۰ شماره شاسی ۷۳۶۰۱۱۹۹ و شماره موتور ۲۱۷۶۸۰ به نام عادل ناطقی نیا با کدملی ۶۱۷۹۷۸۹۰۰۲ در ۱۴۰۳/۱۲/۱۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آقای **حامد فراهت** فرزند حسام دارای شناسنامه شماره ۱۸۶۷ و کدملی ۱۲۸۹۷۰۳۰۵۱ صادره از اصفهان متولد ۱۳۶۲/۰۶/۲۲ اظهارمی دارد که دانشنامه دائم ایشان مفقود گردیده و به موجب این آگهی دانشنامه مذکور باطل اعلام می شود. از یابنده خواهشمند است مدرک یاد شده را به اداره کل آموزش دانشگاه صنعتی اصفهان تسلیم نماید.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR